

تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران

دکتر مصطفی ملکوتیان*

چکیده

انقلابها همانگونه که شرایط سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی داخلی را تحت تأثیر قرار داده و گاهی یک جامعه را از اساس دچار تغییر می‌کنند، بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی نیز تأثیر گذارده و گاه ساختار روابط بین الملل، نظام جهانی و روابط قدرت در سطح بین‌الملل و تحولات جهانی را نیز شدیداً تحت تأثیر قرار میدهند. انقلاب اسلامی ایران که تنها ۲۶ سال از وقوع آن میگذرد بطرز خیره کننده‌ای بر دنیای معاصر و جنبه‌های مختلفی مانند نظریه‌های سیاسی، راهبرد قدرت‌های بزرگ، نظام جهانی، حرکت‌های رهایی بخش، چهره جوامع اسلامی، سازمان‌های بین‌المللی، الهیات رهایی بخش در آمریکای لاتین و غیره تأثیرات آشکار بجا گذارده است. این پژوهش به صورت مقدماتی به معرفی تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی پرداخته است.

واژگان کلیدی

انقلاب، انقلاب اسلامی، بازتاب انقلاب، نظریه‌های سیاسی، راهبرد، حرکت‌های انقلابی، نخبگان سیاسی.

هرچند سؤالهای مرتبط با پدیده انقلاب را می‌توان در چهار زمینه چستی (تعریف انقلاب و ویژگیهای آن)، چرایی رخداد، چگونگی وقوع و در نهایت اینکه انقلاب پس از پیروزی چه مسیر، مراحل، آثار و بازتابهایی به دنبال می‌آورد، خلاصه کرد؛ اما بیشتر دیدگاهها و نظریه‌های انقلاب تنها به دو سؤال چرایی و چگونگی پرداخته و به ویژه برای پاسخ به سؤال چهارم، یعنی مسیرها و مراحل پس از پیروزی و از آن میان بررسی اثرات و بازتابهای انقلاب بر محیط بین‌المللی، تلاشی به عمل نیاورده‌اند. در عین حال، همان‌طور که مارتین وایت^۱ در کتاب «سیاست قدرت» گفته است، نباید تحولات سیاسی غیرانقلابی را در صحنه بین‌المللی عادی‌تر و طبیعی‌تر از انقلابات و تحولات سیاسی انقلابی دانست؛ زیرا اگر تحولات سالهای ۱۵۱۷ - ۱۴۹۲، ۱۷۹۲ - ۱۶۴۳ و ۱۹۱۴ - ۱۸۷۱ تحولاتی غیرانقلابی بوده‌اند، تحولات سالهای ۱۶۴۸ - ۱۵۱۷، ۱۸۷۱ - ۱۷۹۲ و ۱۹۶۰ - ۱۹۱۶ تحولاتی انقلابی محسوب می‌شوند و بنابراین در مقابل ۲۵۶ سال تحولات انقلابی در صحنه بین‌المللی، تنها ۲۱۲ سال تحولات غیرانقلابی وجود داشته است.^۲

بدین ترتیب، هرچند نباید نقش تحولات غیرانقلابی را در ساختن جهان معاصر نادیده گرفت؛ نقش بارز انقلابها و تحولات انقلابی در این زمینه قابل انکار نیست. نهضت رفرماسیون در قرن ۱۶، وقوع دست‌کم شش قیام و انقلاب در قرن ۱۷ (سال ۱۶۴۸) در اروپا، «انقلاب آتلانتیک» در قرن ۱۸ (سالهای ۱۸۰۰ - ۱۷۶۰)، انقلابهای ۱۸۴۸ در اروپا و انقلابهای متعدد در قرن ۲۰ از قبیل انقلاب روسیه (۱۹۱۷)، انقلابهای ۱۹۱۱ و ۱۹۴۹ چین، انقلاب ۱۹۵۹ کوبا، انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۸/۱۹۷۹)، انقلاب نیکاراگوئه (۱۹۷۹)، انقلابهای ضداستعماری مانند انقلاب الجزایر (۱۹۶۲) و انقلابهای ویتنام (۱۹۵۴ و ۱۹۷۵) همگی بر این نقش تأکید می‌کنند؛^۳ حتی برخی بر این باورند که تاریخ روابط بین‌الملل بعد از

1. Martin White.

۲. هالیدی فرد، *انقلاب و روابط بین‌الملل*، ترجمه مسعود اخوان کاظمی، فصلنامه انقلاب اسلامی، دانشگاه اصفهان، س اول، پیش شماره سوم، پاییز ۱۳۷۸، ص ۳۳ - ۳۴.

۳. هانا آرنت در ابتدای کتاب «انقلاب» خود جنگ و انقلاب را دو مسئله اساسی دنیای ما می‌خواند و می‌گوید سیمای قرن بیستم را جنگها و انقلابها رقم زده‌اند. به نظر وی در تاریخ مدون بشر باید به نقش مهم این دو پدیده توجه نمود. (آرنت، هانا، *انقلاب*، ترجمه عزت‌الله فولادوند تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۹ - ۲۲).

جنگ دوم جهانی، در پاسخ و واکنش نظام بین‌الملل به انقلاب خلاصه می‌شود؛ زیرا طی چهار دهه‌ای که به پایان دهه ۱۹۸۰ ختم شد، انقلاب پایه و مبنایی برای نظام دو قطبی به وجود آورد، به مسابقه تسلیحاتی دامن زد و موارد متعددی از رقابت بین ابرقدرتها را باعث شد؛ حتی ثبات سیاسی داخلی قدرتهای عمده را نیز در معرض تهدید قرار داد.^۱

از میان نوشته‌های اندک مرتبط با ابعاد بین‌المللی انقلابها، یافته‌های پیتیریم سوروکین^۲ جامعه‌شناس روسی، که از بررسی تاریخ اغتشاشات و انقلابهای اروپا از دوران باستان تا دهه ۱۹۳۰ - پژوهش روی ۱۶۲۲ تا ۱۶۲۹ مورد اغتشاش عمده یا انقلاب ثبت شده - به دست آورده، قابل ذکر است. وی در این تحقیق به دو مورد از ابعاد بین‌المللی انقلابها (رابطه جنگ و انقلاب و نقش و بازتاب انقلاب بر آفرینش جو انقلابی در سایر کشورها) توجه نموده است. به نظر وی بررسی تاریخ جنگ و انقلاب در اروپا نشان می‌دهد که رابطه‌ای جبری و مستقیم بین جنگ و انقلاب به طور کلی، شکست در جنگ و وقوع انقلاب و پیروزی در جنگ و عدم وقوع انقلاب دیده نمی‌شود و جنگ تنها می‌تواند یکی از دلایل انقلاب باشد. از سوی دیگر، بررسی انقلابهای اروپا و گسترش آنها نشان می‌دهد نیروهایی که به وجود آورنده اغتشاش‌اند، به‌ندرت اگر نه هرگز، فقط در یک کشور عمل می‌کنند. اغتشاشاتی که در یک کشور آغاز شده‌اند، معمولاً در تعدادی دیگر از کشورها که اقلیم فرهنگی مشابهی با آن کشور دارند، گسترش می‌یابند.^۳

هدف این پژوهش نیز معرفی آثار و بازتابهای نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی در مدت ۲۵ سال گذشته است. در این بررسی بر آن نیستیم که همه موضوعات معرفی شده را به‌طور کاملاً مفصل و مشروح مورد توجه قرار دهیم؛ بلکه تنها به بیان فهرست‌گونه این آثار و بازتابها و شناخت اهمیت جهانی این انقلاب می‌پردازیم. در این رابطه محورهای زیر قابل ذکر است:

۱. هالیدی، پیشین، ص ۳۵.

2. Pitirim. A. Sorokin.

3. Pitirim. A. Sorokin, "Fluctuations of Internal Disturbances", in: *Struggles in the State*, George Kelly & Clifford Brown (eds), New York: Wiley, 1970, p 147.

الف) بازتاب انقلاب اسلامی بر نظریه‌های سیاسی

وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی از چند جهت بر نظریه‌های سیاسی تأثیر نهاد:

۱. تا پیش از این وقوع، دیدگاه علمی غالب در زمینه انقلاب این بود که دست‌یابی به توسعه، که از اهداف انقلابهای معاصر است، با دو مفهوم «سکولاریزه شدن فرهنگی»^۱ و «تمایز ساختاری»^۲ همراه است^۳ و همان‌طور که خانم هانا آرننت^۴ در کتاب «انقلاب» گفته است، یکی از ویژگیهای موسوم و موجود انقلابها، دنیوی بودن است.^۵

بدین ترتیب، رخداد انقلاب اسلامی با ماهیت دینی، اعتبار چنین نظریه‌هایی را زیر سؤال برد. این انقلاب، ایدئولوژی انقلابی جدیدی را که شامل مجموع نقاط مثبت سایر ایدئولوژیهای انقلابی زمانه نیز بود - مفاهیم استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی - در چهارچوب حکومت دینی در دنیای مادی‌گرای معاصر مطرح نمود و باعث غافل‌گیری صاحب نظران پدیده انقلاب^۶، دولتها و نخبگان سیاسی که تصور وقوع انقلابی با این ماهیت و ایدئولوژی در دنیایی عادت کرده به انقلابهای مارکسیستی یا لیبرال مسلک را نمی‌کردند، شد. ۲. رخداد انقلاب اسلامی از چند جنبه انتقادات وارد بر اندیشه‌های مدرنیسم را مورد تأیید قرار داد و اندیشمندان فرامدرنیسم^۷ آن را دلیلی بر عبور بشر از مدرنیسم دانستند. در حقیقت این انقلاب چالشی در برابر اندیشه‌های فوق ایجاد کرد. میشل فوکو فیلسوف فرانسوی که در

1. Cultural Secularization.

2. Structural Differentiation.

3. See Almond & Powell, *Comparative Politics: A Developmental Approach*, Boston: LITTLE, BROWN and COMPANY: 1966, p 213-298.

مفهوم تمایز ساختاری در انقلاب اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

4. H. Arendt.

۵. به نظری وجه عرفی و این جهانی به امور بخشیدن، به عبارت دیگر تفکیک دین از سیاست و ظهور یک قلمرو دنیوی با شأن و حیثیت خاص خود، مسلماً از عوامل بسیار مهم در پدید آمدن انقلاب به شمار می‌رود. (آرننت، پیشین، ص ۳۴).

۶. در این زمینه ر. ک: تدا، اسکاچپول، حکومت تحصیلدار (صاحب درآمد مستمر) و اسلام شیعی در انقلاب ایران، ترجمه محسن امین زاده، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، گردآورنده عبدالوهاب فراتی، ص ۱۸۵ - ۱۹۱.

7. Post Modernism.

زمان وقوع انقلاب اسلامی در شهرهای تهران و قم به میان تظاهرکنندگان می‌رفت تا دریابد «ایرانیان چه رؤیایی در سر دارند؟»، انقلاب ایران را به دلیل اینکه برداشتهای فرامدرنیستی درباره تاریخ و قدرت را مورد تأکید قرار داده است، یک انقلاب فرامدرنیستی خواند. در این برداشت، قدرت، آن‌گونه که همگان تصور می‌کنند از بالا اعمال نمی‌شود و تنها در تسلیحات و نیروهای نظامی دولتها خلاصه نمی‌گردد؛ بلکه در همه اجزا و لایه‌های اجتماع نهفته است و به موقع خود را نشان می‌دهد. به نظر وی، در مطالعه قدرت باید از الگوی لویتان پرهیز کنیم. باید از حوزه محدود حاکمیت حقوقی و نهادهای دولتی رها شویم و در عوض پایه‌های تحلیل خود را درباره قدرت بر مطالعه شیوه‌ها و تاکتیکها و استراتژیها استوار سازیم. بر این اساس، امام خمینی توانست این قدرت نهفته را در راستای انقلاب اسلامی بسیج نماید و بر قدرتی تا دندان مسلح، یعنی رژیم محمدرضا شاه پیروز شود.^۱

همچنین به نظر فوکو انقلاب اسلامی تأییدی بر این برداشت بود که تاریخ یک مسیر واحد همه جایی ندارد. بنابراین، این ایده که همه جوامع به سوی لیبرالیسم و دموکراسی غربی در حرکت‌اند از قبیل آنچه فرانسویس فوکویاما در «پایان تاریخ، واپسین اسطوره» گفته است، تصورات و تمایلاتی نامنطبق با واقعیت است.^۲

۳. انقلابهای پایانی قرن ۲۰، یعنی دو انقلاب ایران و نیکاراگوئه و به ویژه انقلاب ایران، به دلیل ماهیت ویژه خود - نقش مذهب و سایر ویژگیهای شاخص آنها - طلیعه پدید آمدن

۱. میشل، فوکو، قدرت انضباطی و تابعیت، قدرت، استیون لوکس (ویراستار)، ترجمه فرهنگ رجائی، ص ۳۴۰؛ محمدباقر خرمشاد، فوکو و انقلاب اسلامی ایران؛ معنویت‌گرایی در سیاست، پژوهشنامه متین، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، س اول، ش اول، زمستان ۱۳۷۷، ص ۲۱۱-۲۱۶.

اکبر احمد نیز از این زاویه به انقلاب اسلامی پرداخته است. و به علت اینکه نمی‌توان آن را تحلیل ساختاری کرد، اولین انقلاب پست مدرن خوانده است. افرادی مانند منگل بیات هم انقلاب اسلامی را مبتنی بر شکل جدیدی از مدرنیته می‌دانند که با مدرنیته مبتنی بر عقلانیت محاسبه‌گر تفاوت دارد. (سعید حجازیان، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظریات علوم اجتماعی، فراتی، پیشین، ص ۳۲۱).

۲. البته این گفته که وقوع انقلاب اسلامی ایران برخی برداشتهای پست مدرنیستی از قبیل قدرت و تاریخ را مورد تأکید قرار داده است به این معنی نیست که انقلاب اسلامی از لحاظ ایدئولوژی خود با اندیشه‌های پست مدرنیست‌ها شبیه است این انقلاب ایدئولوژی ویژه خود را دارد بگونه‌ای که هم مدرنیسم هم پست مدرنیسم را به چالش کشیده است.

نسل جدیدی از نظریه‌های انقلاب شدند.

جک گلدستون^۱ در دسته‌بندی نظریه‌های انقلاب در قرن ۲۰، از توالی سه نسل توصیفی، تعمیمی و ساختاری سخن گفته است. در نسل اول که مربوط به دهه‌های نخست قرن بود، نظریه‌ها تنها در پی توصیف انقلابی‌هایی مانند انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه بودند، مانند نوشته‌های ادواردز^۲، پتی^۳ و برینتون^۴. در نسل دوم که مربوط به اواسط قرن فوق - دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ - بود، نظریه‌ها تعمیمی شدند مانند نظریه‌های سیستمی و روانشناختی که این نسل از نظریه‌های مبتنی بر اندیشه نوسازی بهره می‌گرفتند و در نسل سوم که مربوط به دهه‌های پایانی قرن ۲۰ می‌شود، نظریه‌ها ساختاری شدند؛ مانند نظریه تدا اسکاچپول^۵ در کتاب دولتها و انقلابهای اجتماعی؛ در این نظریه‌ها به نقش ساختاری مانند محیط بین‌المللی و ساخت دهقانی توجه می‌شود و نقش جبر مورد تأکید قرار می‌گیرد.^۶

وقوع انقلاب اسلامی در پایان دهه ۱۹۷۰ نظریه اسکاچپول را زیر سؤال برد؛ به گونه‌ای که وی در سال ۱۹۸۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «دولت تحصیلدار و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، این گفته‌اش را که «انقلابها ساخته نمی‌شوند؛ بلکه به وجود می‌آیند» در مورد انقلاب ایران رد کرد و با دست کشیدن از دید کاملاً ساختاری خود، نوشت: اگر در دنیا یک انقلاب باشد که توسط یک حرکت انقلابی آگاهانه ساخته شده است، آن انقلاب، انقلاب ایران است و بدین گونه نقش عناصر ایدئولوژی و رهبری را مورد تأکید قرار داد.^۷

1. Jack Goldstone.

2. Edwards.

3. Pettit.

4. Brinton.

5. Theda Skocpol.

۶. حمیرا مشیرزاده، نگرشی اجمالی به نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، مجموعه مقالات، ج ۲، ج ۱، ص ۳۳ - ۳۴. برای مطالعه مشروح مثال‌های مختلف نسل‌های فوق، ر. ک. : مصطفی ملکوتیان، سیری در نظریه‌های انقلاب، صفحات مختلف.

۷. اسکاچپول، پیشین، ص ۱۸۹ - ۱۹۰ و ۲۰۵ - ۲۰۶.

در همین راستا، جان فوران^۱ و جک گلدستون از ورود محافل علمی و دانشگاهی به نسل چهارم نظریه‌های انقلاب سخن راندند. فوران معتقد است:

رخداد دو انقلاب ایران و نیکار آگوتی راه را برای ورود به نسل چهارم نظریه‌های انقلاب - که البته اکنون در ابتدای راه است - هموار کرد؛ یعنی نسلی که خود را از دید ساختاری محض و جبرگرایی رها کرده است و به عناصر متعددی، مانند نقش فرهنگ و ایدئولوژی، بسیج منابع، توسعه نامتوازن و غیره بها می‌دهد.^۲

گلدستون نیز در مقاله‌ای با عنوان «به سوی نسل چهارم نظریه‌های انقلاب» نوشت:

تحلیل انقلابها از جمله انقلابهای جهان سوم در دهه آخر قرن ۲۰ ناتوانی تحلیل‌های ساختاری در زمینه انقلاب را گوشزد و لزوم توجه به عواملی مانند رهبری، ایدئولوژی و هویت را تأکید کرد. به نظری، در بررسی انقلاب باید به دنبال عواملی بگردیم که ایجادکننده ثباتند؛ ضعف در آن عوامل است که راه را برای رهبری انقلابی، ایدئولوژی و هویت بازمی‌کند تا به همراه عوامل ساختاری مانند فشارهای بین‌المللی و تعارض نخبگان با حکومت باعث وقوع انقلاب شوند.^۳

ب) بازتاب انقلاب اسلامی بر مسائل راهبردی قدرت‌های بزرگ

انقلاب اسلامی در زمان جنگ سرد بین دو بلوک شرق کمونیست به رهبری اتحاد شوروی و غرب لیبرال به رهبری امریکا اتفاق افتاد. در آن زمان بسیاری از مسائل جهانی و راهبردهای دولتها عموماً با توجه به این واقعیت تدوین می‌شد و جریان می‌یافت. بلوک غرب در راستای

1. J. Foran.

۲. مشیرزاده، پیشین، ص ۳۴.

3. Jack Goldston, "Toward the Fourth Generation of Revolutionary Theory", *Annu. Rev. Polit Sci* ^ 2001, 4: x-x Copyright 2001 by Annual Reviews.

راهبرد مهار یا سد نفوذ اتحاد شوروی (Containment) تعدادی پیمان زنجیره‌ای شامل ناتو، سنتو و سیتو در محدوده جغرافیایی اروپا تا آسیای جنوب شرقی در اطراف شوروی پدید آورده بود که ایران عضو حلقه میانی آن یعنی سنتو بود و بلوک شرق نیز پیمان ورشو را برای جلوگیری از نفوذ یا حملات غرب علیه هر یک از اعضای کمونیست این پیمان به وجود آورده بود.

به علاوه، پس از شکست آمریکا در ویتنام (۱۹۷۵)^۱ آمریکا به دلیل مخالفت افکار عمومی‌اش توان مداخله نظامی علیه حرکت‌های انقلابی را در خود نمی‌دید و نیکسون رئیس جمهور آمریکا در استراتژی جدیدی که به استراتژی دوستونی - ستون نظامی ایران و ستون مالی عربستان - مشهور شد، با توجه به موقعیت استراتژیک خاص ایران، پتانسیل قدرت ایران، ویژگی‌های شخصی محمدرضا شاه و اینکه ایران یک کشور عربی نبود و از مناقشه اعراب و اسرائیل دور بود، شاه ایران را ژاندارم خود در منطقه کرد و در مدتی اندک قرارداد فروش میلیاردها دلار اسلحه با ایران را امضا کرد.^۲ در این راستا، ایران به نیابت از آمریکا

۱. پس از شکست فرانسویها در دین بین فر در ۱۹۵۴ و کسب استقلال ویتنام شمالی و خروج فرانسویها از ویتنام، آمریکاییها آرام آرام وارد ویتنام جنوبی شدند تا از طریق مبارزه نظامی و نبرد تبلیغاتی - که نبرد روانی علیه قلب و اذهان ویتنامیها نام گرفت - از سلطه کمونیستها بر ویتنام جنوبی و شبه جزیره هند و چین جلوگیری و از گسترش نفوذ رقبای کمونیست خود در این منطقه ممانعت کنند؛ اما همراهی مردم با مبارزان ویتنامی و همراهی دولتهای شوروی و چین با آنها، آمریکاییها را با شکستی تلخ روبرو ساخت. آنان هر چند حدود ۹۰۰/۰۰۰ نفر از مردم ویتنام جنوبی، ۴۰۰/۰۰۰ نفر از مردم ویتنام شمالی و صدها هزار نفر از مردم در کامبوج و لائوس را به قتل رساندند؛ اما خود نیز علاوه بر خسارات مادی زیاد، حدود ۵۱/۰۰۰ نفر کشته دادند و در نهایت نژ به شکستی تعیین کننده در مسیر تحولات بعدی دادند. برای مطالعه جنگ ویتنام به ویژه روشهای تبلیغاتی آمریکا در این جنگ ر. ک: رابرت، دبلیو. چندلر، *یورش‌های تبلیغاتی آمریکا در جنگ ویتنام*، ترجمه مصطفی ملکوتیان، صفحات مختلف.

۲. در مجموع از سال ۱۹۵۰ تا زمان سقوط شاه، ایران قراردادهای خرید تجهیزات و خدمات نظامی به ارزش حدود ۲۰ میلیارد دلار با آمریکا امضا کرده بود. البته خریدهای گرانقیمت و پیشرفته بیشتر به بعد از گران شدن قیمت نفت برمی‌گردد. طبق گزارش کمیته خارجی سنای آمریکا، بودجه دفاعی ایران از ۸۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰ م.) به ۳/۶۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴ م.) و ۹۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷ م.) جهش کرد.

Shahin Mossavar Rahmani, *The Iranian Revolution and its Theoretical Implications*, Ann Arbor, U.M.I., 1989, p 110-111.

به نوشته یکی دیگر از منابع، ایران در سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ به ترتیب: ۵۱۹/۱، ۲۱۵۷/۴، ۴۳۷۳/۲، ۲۰۲۱ و ۱۴۵۸۷ میلیون

شورشیان کمونیست ظفار در عمان را سرکوب و از گسترش این حرکت کمونیستی طرفدار مسکو در شبه جزیره عربستان جلوگیری نمود.

وقوع انقلاب ایران ابتدا راهبردهای منطقه‌ای دو ابرقدرت را دچار تغییر کرد و سپس باعث تغییراتی در راهبردهای جهانی آنها شد:

در رابطه با بلوک غرب، انقلاب اسلامی در کشوری که ژاندارم آمریکا در منطقه بود - کشوری که باید در برابر حرکت‌های ضدغربی بایستد - اتفاق افتاده بود. بنابراین، بلافاصله یک شکاف آشکار قدرت در منطقه پدید آمد. ضمناً ایران به سرعت از پیمان سنتو خارج و باعث فروپاشی آن گردید و بدینوسیله بین پیمان‌های ناتو و سیتو فاصله افتاد.

انقلاب که در کنار چاه‌های نفتی منطقه اتفاق افتاده و اهمیتش، دو چندان شده بود، به زودی در کشورهای منطقه - مرکز مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، در جهان - انعکاس یافت و هراس از وقوع تحولات مشابه ایران، جهان غرب و دولت‌های منطقه را فراگرفت.

در این شرایط، غرب، به ویژه آمریکا، برای جلوگیری از گسترش حرکت‌های انقلابی به کشورهای دیگر و حفظ منابع بین‌المللی خود، بهره‌گیری از راهبردها و روش‌های مختلفی را مورد توجه قرار داد.

امریکا در پایان سال ۱۹۷۹ و در باقی مانده دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر اعلام کرد برای حفظ منافع خود یک نیروی واکنش سریع تشکیل می‌دهد. این امر به معنی روی آوردی دوباره آمریکا به مداخله مستقیم نظامی بود.^۱ سپس حجتی تمام نشدنی از فشارها و تحریم‌ها علیه ایران را آغاز کرد؛ محاصره اقتصادی، حمله نظامی نافرجام به طبرس، طراحی کودتای نوزده، تحریک عراق به آغاز جنگ و همراهی با این کشور در طول جنگ علیه ایران و در نهایت سیاست مهار ایران که این سیاست یا استراتژی در پنج ماه اول ریاست جمهوری بیل

→ دلار اسلحه از آمریکا خرید. (ابراهیم، سنجر، نفوذ آمریکا در ایران، ص ۱۱۸).

۱. در این رابطه، کارتر در سال ۱۹۸۰ در پیامی به کنگره چنین گفت: هر اقدامی از سوی هر قدرت خارجی برای دستیابی و کنترل منطقه خلیج فارس، به‌عنوان حمله به منافع حیاتی آمریکا به شمار آمده و چنین حمله‌ای با هر وسیله‌ای، از جمله نیروی نظامی، دفع خواهد شد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مجموعه مقالات سمینار بررسی خلیج

کلینتون از حزب دموکرات و با طراحی لابی اسرائیل - کمیته امور عمومی آمریکا اسرائیل (IPAC) - تدوین شد.^۱

آمریکا برای پر کردن شکاف موجود، همچنین تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ را که در ضمن دلیل دیگر پیدایش آن مداخله نظامی روسها در افغانستان و ترس کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از محاصره شدن توسط کمونیستها یا کشورهای وابسته به اتحاد شوروی به دلیل حضور روسها در یمن جنوبی، اتیوپی، افغانستان و غیره بود، تشویق کرد و به تقویت بنیه نظامی این کشورها به ویژه عربستان پرداخت.

با به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۵ و اعلام دو سیاست پرسترویکا (بازسازی اقتصادی) و گلاسنوست (فضای باز سیاسی) و سپس فروپاشی بلوک شرق و اتحاد شوروی، آمریکا با این تصور که فروپاشی رقیب به معنی صلابت و حقانیت بلوک غرب است، برای ورود جهان به یک نظام جهانی تک قطبی یا سلسله مراتبی به رهبری خود، به تکاپو افتاد؛ اما با گذشت زمان دو مسئله، چشم‌انداز اهداف راهبردی جهانی آمریکا را تیره کرد؛ یکی مقاومت مراکز قدرت دیگر جهانی مانند اتحادیه اروپایی، فدراسیون

۱. در حمله نظامی آمریکا به طیس ۱۱۸ آمریکایی مجهز به شش فروند هواپیما، هشت فروند هلی‌کوپتر و مسلسل‌های دستی و موتور سیکلت شرکت داشتند. در این واقعه هشت آمریکایی کشته شدند که با تلاش بورگه و ویلاون - که به وکلای فرانسوی مشهور بودند و مرتب با قطب‌زاده تماس داشتند - به آمریکا منتقل شدند. (چارلی، بکویت، نیروی دلتا، ترجمه رضا فاضل زرنی، ص ۱۰۳ - ۱۴۱؛ یوسف، مازندی، ایران ابرقدرت قرن ۲۱، به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ص ۱۳ - ۱۶).

برای ملاحظه نقش آمریکا در طرح‌ریزی کودتای نوژه ر. ک: (کودتای نوژه، ص ۳۷ و ۱۰۸ و ۱۱۵) نقش آمریکا در آغاز جنگ عراق علیه ایران ر. ک: (منوچهر، یوسف، علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی، جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۳، ص ۹ و ۱۵۱؛ مجید، مختاری، تجربه و تحلیل مقطع زمینه‌سازی جنگ ایران و عراق، جنگ تحمیلی، پیشین، ص ۱۰۲؛ روابط پنهانی ایالات متحده و عربستان سعودی؛ اسلحه، نفت، عراق، ایران، ترجمه بهمن همایون، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س هفتم، ش ۷۱ - ۷۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، ص ۶۴ - ۷۱. سیاست مهار ایران و محدودیتها و نتایج آن ر. ک: (مجیبی، امیری، ایران و آمریکا، نگاهی دیگر، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۹۶ - ۹۵، س ۱۳۷۴؛ ابراهیم، متقی، دستورالعمل اجرایی کلینتون: مهار ایران یا به دلیلی دیگر؟، راهبرد، بهار ۱۳۷۴، ش ۶؛ بررسی روابط ایران و ایالات متحده آمریکا: سیاست مهار دو جانبه و پیامدهایش، گزارش ویژه مرکز تحقیقات کنگره آمریکا، مجله سیاست خارجی، س ۹، ش ۱؛ ۱۳۷۴؛ ابراهیم، متقی، محدودیت‌های آمریکا در روند دستیابی ایران به تکنولوژی پیشرفته مجله سیاست دفاعی، س اول، ش ۳ و ۴).

روسیه، چین و غیره و تلاش آنها برای پیدایش یک نظام چندقطبی^۱ و دیگری ادامه و شدت یافتن حرکت‌های رهایی‌بخش در منطقه نفت‌خیز خاورمیانه و خلیج فارس و تهدیدات فزاینده علیه رژیم اسرائیل از جانب فلسطینیها، به ویژه از زمان آغاز حملات انتحاری توسط آنها، دولت‌ها و ملت‌های خاورمیانه؛ تهدیدات و حرکت‌هایی که بازتاب انقلاب اسلامی در ایجاد آنها آشکار می‌باشد.

در این شرایط حملات ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) به برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی و پنتاگون در آمریکا - با هر منشا و هدفی - صورت گرفت و جرج بوش رئیس جمهور آمریکا بهانه مناسبی به دست آورد تا با طرح و اجرای راهبرد «حمله پیش‌دستانه» و بهره‌گیری از قدرت تکنولوژی، به ویژه نیروی هوایی، برای پیش‌بردن مقاصد راهبردی خود کشورهای دشمن خود را مورد حمله قرار دهد.

دیدگاه نگارنده این است که راهبرد «حمله پیش‌دستانه» آمریکا بر مبنای دستیابی به چند هدف تنظیم شده است تا در نهایت بتواند هژمونی و سلطه جهانی آمریکا را تحقق بخشد.

۱. ایجاد امنیت برای رژیم صهیونیستی از طریق حضور در منطقه و کنترل گروه‌های ضداسرائیلی در جهان عرب؛ به ویژه فلسطین و لبنان و حائل شدن بین سوریه و ایران.
۲. مبارزه با انقلاب اسلامی ایران و بازتاب‌های منطقه‌ای و جهانی آن.
۳. کسب منافع حاصل از نفت عراق و کنترل بازار جهانی نفت.
۴. تغییر جغرافیای سیاسی منطقه به منظور کسب اهداف راهبردی خود.

۵. گسترش روزافزون حضور در مناطق اروپای شرقی، قفقاز، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی و فاصله انداختن بین قدرتهایی مانند فدراسیون روسیه، چین، هند و ایران، تا از شکل‌گیری هرگونه اتحاد احتمالی که مزاحم دستیابی آن کشور به اهداف جهانی‌اش باشد، جلوگیری و از ایجاد «عصر آسیایی» ممانعت کند و حتی در راستای فروپاشی کشورهای بزرگی

۱. این تلاش‌ها در سال‌های گذشته بارها خود را در سخنرانی‌ها و ملاقات‌های سران کشورها از جمله سران روسیه، چین، برخی از اعضای ذی‌نقوذ اتحادیه اروپایی و یا به شکل انعقاد برخی توافقنامه‌ها بین دولت‌های آسیایی یا اروپایی نشان داده است.

مانند روسیه و چین که خطرات بزرگ و بالقوه‌ای در برابر اهداف جهانی آمریکا می‌باشند، تلاش نماید.^۱

در مورد بازتاب انقلاب اسلامی بر مسائل راهبردی اتحاد شوروی نیز می‌توان گفت: با آغاز و پیروزی انقلاب، امنیت داخلی و منافع جهانی این کشور تحت الشعاع قرار گرفت. فکر انقلابی به‌رغم کنترل شدید سازمانهای امنیتی از دیوارهای آهنین گذشت و بر جمهوریهای مسلمان‌نشین اتحاد شوروی تأثیر گذاشت. به علاوه، انقلاب اسلامی با تغییر ایدئولوژی و ماهیت حرکت‌های انقلابی در جهان اسلام که بسیاری از آنها قبلاً کمونیستی بودند یا به شوروی گرایش داشتند، زیر پا و نفوذ بین‌المللی این کشور را خالی و تضعیف کرد و بدین‌گونه در شمار علل فروپاشی اتحاد شوروی قرار گرفت.

لئونید برژنف صدر هیأت رئیسه اتحاد شوروی، هنگام اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ، به گسترش امواج انقلابی در مرزهای جنوبی این کشور اشاره کرده بود. مقاومت سرسختانه مردم افغانستان در مقابل این هجوم نیز که جهاد با کفار خوانده می‌شد، به علاوه دلایل دیگر آن، با حمایت ایران و الهام از انقلاب اسلامی صورت گرفت و شکست روسها در افغانستان در فروپاشی اتحاد شوروی تأثیر داشت.

فدراسیون روسیه اکنون برای پیشبرد اهداف جهانی خود از دو طریق تلاش می‌کند؛ از یک طرف سعی دارد جای پای در نهادهای اروپایی به‌دست آورد و خود را اروپایی جا بیندازد؛ مانند پیمان سال ۲۰۰۲ این کشور با ناتو (۱۹۹۱) که براساس آن روسیه به عنوان یک عضو غیرکامل و فاقد حق رأی به رسمیت شناخته شد^۲ و این شاید هزینه‌ای بود که آمریکا به دلیل همکاری روسیه در دادن اجازه گسترش نیروهای امریکایی در آسیای مرکزی در مسئله حمله

۱. برخی دیدگاه‌ها عقیده دارند که هدف نهایی آمریکا از گسترش حضورش در منطقه، کشور چین می‌باشد. به علاوه در غرب و به ویژه در آمریکا گاهی شنیده می‌شود که روسیه نه دوست ماست نه برادر ما یا این که روسیه در نهایت باید به ۵۰ کشور تقسیم شود.

۲. برای ملاحظه میزان قدرت روسیه در پیمان ۲۸ می ۲۰۰۲ میان ناتو و روسیه ر. ک :

Michael Wines, "Accord is Near on Giving Russia a Limited Role in NATO", New York Times, April 23, 2002.

به طالبان و القاعده در افغانستان به این کشور پرداخت و از سوی دیگر سعی می‌کند با بهره‌گیری از همکاری دولتهای دیگر از جمله چین، کشورهای اروپایی، ایران و غیره، گردآوری جمعی از یاران خود در اتحاد شوروی سابق و تلاش در سازمانهای بین‌المللی با ادامه سیاست یک جانبه‌گرایی آمریکا مقابله کند.

ج) انقلاب اسلامی و طغیانها و حرکت‌های انقلابی در جهان اسلام
مقایسه اوضاع و احوال اجتماعی سیاسی کنونی کشورهای اسلامی با وضعیت آنها در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، حکایت از یک تغییر آشکار در اکثر آنها دارد. اهمیت این امر در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به دلیل موقعیت مهم جغرافیایی، وجود منابع غنی انرژی و اهمیت مسئله فلسطین دو چندان می‌شود.

به دنبال وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک فضای در حال گسترش اصول‌گرایی اسلامی سراسر جهان اسلام را فراگرفت؛ تعدادی از حرکت‌های اسلامی پدید آمدند و تعدادی دیگر که از قبل وجود داشتند، اما منفعل بودند، فعال و انقلابی شدند. یکی از منابع^۱ درباره بازتاب انقلاب اسلامی بر حرکت‌های انقلابی در کشورهای عربی چنین نوشته است:

۱. در لبنان، که بیش از هر کشور دیگری تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته، جنبش‌های شیعی «امل»، «امل اسلامی» و «حزب الله» و گروه سنی «جنبش توحید اسلامی» تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی پدید آمده یا فعال گردیدند.

۲. در عراق، فعالیت «حزب الدعوة اسلامی» که از حمایت آیت‌الله سیدمحمد باقر صدر برخوردار بود و در اثر وقوع انقلاب اسلامی شدت گرفت. به علاوه در سال ۱۳۶۱ «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» با هدف مبارزه با حکومت صدام حسین پدید آمد و نقش انقلاب اسلامی در این امر آشکار بود.

۳. در عربستان سعودی، وقوع انقلاب اسلامی انگیزه خوبی به اخوان المسلمین داد تا به

۱. حمید، احمدی، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه عربی، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، به کوشش حاتم قادری، ص ۱۱۷-۱۵۵.

رژیم سعودی حمله کنند. آنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب ایران تحت رهبری جبهیمان الغیبی مسجدالحرام را اشغال کردند. «سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان» که گروهی شیعی بود و رهبری شورش‌های عاشورای ۱۹۷۹ در استان قطیف عربستان را برعهده داشت، نیز تحت تأثیر انقلاب اسلامی رشد نمود.

۴ و ۵. همچنین در بحرین، «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین» که به گفته حکومت بحرین به یک کودتای نافرجام در ۱۹۸۱ دست زد و در کویت، یک جنبش اسلامی از جمله گروه «حزب الله کویت» به وجود آمدند.

۶ و ۷. در دو کشور دیگر یعنی قطر و امارات عربی متحده، حرکت‌ها سازماندهی شده نبود ولی به شکل اعتراضات اجتماعی بروز کرد.

۸. در مصر، توسل به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه گسترش یافت که نمونه آن ترور انور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ توسط «سازمان الجهاد» بود. «جنبش اخوان المسلمین» مصر نیز در دوره سادات به دفاع از انقلاب اسلامی ایران پرداخت. همچنین تأثیر انقلاب ایران بر نواآرامی دانشگاه‌های این کشور و شهرهای قاهره، السیوط و الفيوم تأیید شده است.

۹. در الجزایر، «جبهه نجات اسلامی» پدید آمد و از موضوع آزادی‌های سیاسی که شاذلی بن جدید (به دلیل شرایط موجود) مشوق آن بود بهره گرفت.

۱۰. در تونس یک حرکت اسلامی تحت تأثیر مستقیم انقلاب ایران پدید آمد که مهمترین تجسم آن جنبش گرایش اسلامی بود که بعداً به جنبش نهضت تغییر نام داد.

۱۱. در مراکش نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی حرکت‌های اسلامی رشد نمود.

۱۲ و ۱۳. نهایتاً در سوریه و در میان فلسطینی‌ها نیز شاهد تأثیربخشی انقلاب اسلامی بوده‌ایم. در سوریه، «اخوان المسلمین» تحت تأثیر انقلاب اسلامی فعالیت خود را گسترش داد، هر چند بعداً به دلیل گسترش روابط ایران و سوریه به انتقاد از ایران پرداخت. در میان فلسطینی‌ها، در حال حاضر دو گروه اصلی «جهاد اسلامی» و «سازمان مقاومت اسلامی» یا حماس حضور دارند که هر دو در سال‌های دهه ۱۹۸۰ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اعلام موجودیت کردند. در این میان، جهاد اسلامی آشکارا از انقلاب اسلامی دفاع می‌کند و خواستار الگو گرفتن فلسطینی‌ها از حرکت مردم ایران است.^۱

۱. در مورد تأثیرات سریع و اولیه پیروزی انقلاب اسلامی بر حرکت مردم فلسطین، روزنامه القیس در اواخر سال ۱۳۵۸

انقلاب اسلامی به جز کشورهای عربی، در سایر مناطق و کشورها از جمله آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه نیز بازتاب یافته است:

در افغانستان، تأثیربخشی انقلاب اسلامی، به دلیل اشتراک فرهنگی و زبانی، حتی پیش از پیروزی این انقلاب آغاز شد و در مقاومت مردم در برابر کودتای کمونیستی طرفدار شوروی نمود یافت. پس از پیروزی انقلاب ایران و اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی نیز گروههای شیعه (هشت‌گانه) و سنی (هفت‌گانه) که اکثراً نام اسلام را حمل می‌کردند، یعنی مجاهدین افغانی، از انقلاب اسلامی الهام می‌گرفتند و بدون شک تأکید این گروهها به اسلام تحت تأثیر این انقلاب صورت گرفته بود.^۱

در پاکستان، پیروزی انقلاب ایران باعث ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی نسل جوان شیعی و پیدایش «نهضت اجرای فقه جعفری» شد که از افق مشابهی با انقلاب اسلامی برخوردار است. اکثر جمعیت اهل تسنن پاکستان نیز انقلاب اسلامی ایران را به دیدهٔ احترام می‌نگرند؛ لذا خود را در چنبرهٔ فرقه‌هایی مانند «سپاه صحابه» گرفتار نکرده‌اند. در عین حال مسئله فرقه‌گرایی در پاکستان عاملی در جلوگیری از تأثیربخشی بیشتر انقلاب اسلامی در این کشور بوده است.^۲

↳ گزارش داد: صدها تظاهرکننده در شهرهای غرب اسرائیل و نوار غزه با شعارهای الله اکبر به مکانهای فروش مشروبات الکلی و سینماها حمله کردند. همچنین در اثنای یک مسابقه فوتبال تماشاچیان به هنگام شعاردهی علیه دستهٔ اسرائیلی شرکت‌کننده شعار خمینی خمینی می‌دادند. (روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۸)

در زمینهٔ الهام‌گیری فلسطینی‌ها از انقلاب ایران، یکی از اعضای رهبری سازمان جهاد اسلامی فلسطین در مصاحبه‌ای گفت: پیروزی اسلام در ایران ما را مقاوم‌تر می‌سازد. ما در بیانیه‌ها و نشریات خود بر محور تهران-قدس تأکید کرده‌ایم؛ محوری که به زودی آمریکا و اسرائیل را از منطقه بیرون خواهد کرد. وی ادامه می‌دهد که ترور افسر امنیتی اسرائیل به نام روزنتال به عنوان هدیه‌ای به روح شهدای مکه انجام شد تا بر همبستگی مبارزات مردم فلسطین و ایران تأکید کنیم. (کیهان، ۱۳۶۶/۱۲/۱۰)

۱. نگاهی به نشریات و کتابهای مجاهدین افغانی در دورهٔ مورد نظر این گفته را تأیید می‌کند. از جمله ر. کک: شماره‌های مختلف مجلهٔ حبل الله که تحت عنوان ارگان نشراتی سیدجمال‌الدین حسینی در سالهای مورد نظر منتشر می‌گشت.

۲. شیعیان بیشتر در مناطق شمالی پاکستان ساکن‌اند، یعنی در مرز سه کشور هند، چین و افغانستان. علامه سیدعارف حسین حسینی که در سال ۱۳۶۳ به رهبری نهضت اجرای فقه جعفری رسید و در نهایت به شهادت رسید، می‌گفت: موضوع پذیرش رهبری امام خمینی در جهان اسلام یک ضرورت است. به علاوه تأکید می‌کرد؛ ما به آمریکا اجازه

در کشمیر، که آن را به دلایل فرهنگی تاریخی ایران صغیر خوانده‌اند، نیز شعارهای انقلاب اسلامی در ناآرامیها به چشم می‌خورد. به ویژه اهالی کشمیر آزاد به شدت طرفدار انقلاب اسلامی‌اند.^۱

در آسیای مرکزی از جمله کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و غیره حرکت‌هایی تحت تأثیر انقلاب اسلامی پدید آمدند؛ هر چند حضور چریک‌های وهابی ناشی از تأثیر بخشی حرکت طالبان نیز دیده شده است.^۲

در قفقاز، چه قفقاز تحت حاکمیت روسیه - جمهوریهای مسلمان‌نشین این کشور مانند چچن، داغستان، بالکاریا و اوستیای شمالی که سابقه مبارزه طولانی با روس‌ها داشته‌اند^۳ - و چه قفقاز جنوبی - جمهوری آذربایجان - نیز بازتاب انقلاب اسلامی وجود داشته است. در کشور اخیر این حرکت در حزب اسلامی جمهوری آذربایجان تجلی یافت.

در نهایت، ترکیه لائیک با پیروزیهای پیاپی احزاب اسلام‌گرا - هر چند میانه‌رو - در

↳ نمی‌دهیم از پایگاههایش در پاکستان علیه ایران استفاده کند. همچنین، اهل سنت پاکستان به دو گروه بریلوی و دیوبندی تقسیم می‌شوند که حدود ۸۰٪ آنان به دلیل گرایشات اعتقادی و سیاسی، نقطه نظرات نزدیکی با ایران دارند. موارد متعدد از جمله حضور غلام اسحاق خان رئیس جمهور پاکستان در مراسم تشییع پیکر امام خمینی علیه السلام در خرداد ۱۳۶۸ و قبل از آن استقبال کم‌نظیر از حضور ریاست جمهوری ایران در پاکستان و بزرگداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و روز قدس در پاکستان گویای بازتاب و تأثیر بخشی انقلاب اسلامی در پاکستان بوده است. حتی ضیاءالحق حاکم نظامی پاکستان اعلام نموده بود که هدفش حاکمیت بخشی به فقه حنفی در کشور است. به‌رغم این امر، فرقه گرای تائکون از چهره‌های بارز صحنه سیاسی پاکستان بوده است. برای مطالعه فرقه گرای در پاکستان و نقش منفی آن بر تأثیر بخشی بیشتر انقلاب ایران بر این کشور ر. ک :

۱. سیدکمال، حاج سیدجوادی، *فهرستواره ایرادات و شبهات علیه شیعیان در هند و پاکستان*.
۲. علی مرتضی، زیدی، ریشه‌یابی علل تفرقه‌گرایی در پاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳. سیدرضا، صالحی امیری، *کالبدشناسی فرقه‌گرایی در پاکستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱. کیهان، ۱۳۷۰/۴/۲۶.
۲. عبدالوهاب، فراتی، (گردآورنده)، *انقلاب اسلامی و بازتاب آن*، ص ۸۹ - ۹۲؛ چالش سیاسی - مذهبی در حاشیه خزر؛ چریک‌های وهابی امنیت آسیای مرکزی و قفقاز را تهدید می‌کند، *آفتاب امروز*، ۱۳۷۸/۶/۱۷، ص ۱۰.
۳. در این زمینه ر. ک: م. گامر و دیگران، *باروی شمال قفقاز؛ دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز*، ترجمه سیدغلامرضا نهامی.

انتخابات پارلمانی، در صورتی که این تحولات بتواند نظامیان را کنترل و محدود کند، احتمالاً دچار یک دگردیسی سیاسی خواهد شد.^۱

د) بازتاب انقلاب اسلامی بر سایر مسائل

به جز سه محور اساسی ذکر شده، تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در چند مسئله دیگر نیز روشن بوده است که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود:

۱. دولت‌ها و نخبگان سیاسی در جهان اسلام: جو در حال گسترش اسلامگرایی که ناشی از وقوع انقلاب ایران بوده است بر دولت‌ها و نخبگان سیاسی در جهان اسلام تأثیر نهاده و در تغییر بعضی از حکومت‌ها و پیوند آنها با اسلام (مانند سودان و پاکستان)، ورود اسلامگرایان به پارلمان (مانند حزب‌الله لبنان و اخوان المسلمین اردن)، تغییر در ایده‌های شاهزادگان و خط‌مشی‌های سیاسی و بین‌المللی دولت‌ها (مانند عربستان سعودی) و تشکیل دولت توسط احزاب اسلامگرا (مانند ترکیه) نمود یافته است.

۲. سازمان‌های بین‌المللی: حضور و مواضع ایران انقلابی در سازمان‌های بین‌المللی مانند جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، اوپک و غیره در تصمیمات و قطعنامه‌های صادره نقش داشته است. از جمله، همکاری‌های ایران و عربستان در اوپک در سال‌های اخیر باعث افزایش بهای جهانی نفت شده است. نقش و تأثیرگذاری ایران در برخی ارگانه‌های وابسته به سازمان ملل متحد مانند سازمان علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) نیز وجود داشته است.

۱. تأثیر بخشی انقلاب اسلامی بر کشور ترکیه از زمان پیروزی انقلاب دیده شده است. ژنرال کنعان اورن هدف از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ در ترکیه را متوقف کردن روند رو به گسترش اسلام‌گرایی دانست و گفت: اگر این آتش به موقع خاموش نشود، ممکن است سراسر کشور را فراگیرد. ارتش ترکیه در مقابل پیروزی حزب اسلام‌گرای رفاه به رهبری نجم‌الدین اربکان نیز ایستاد و در نهایت دادگاه عالی ترکیه آن را منحل کرد. اکنون مجدداً اسلامگرایان قادر شده‌اند در قالب حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان تشکیل دولت دهند. گروه‌های اسلامگرا تاکنون خط‌مشی‌های متفاوتی را از خود در ترکیه نشان داده‌اند. برای مطالعه اندیشه‌های فتح‌الله گولن و دیدگاه دیگر گروه‌های اسلام‌گرا، ک: بولنت ارس و عمر کاها، جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن، ترجمه سیداسدالله اطهری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سن نهم، زمستان ۱۳۸۱، ش ۴، ش مسلسل ۳۲، ص ۵۹-۸۲.

۳. الهیات رهایی‌بخش در آمریکای لاتین: آمریکای لاتین به دلیل صدها میلیارد دلار بدهی خارجی و وابستگی اقتصادی و در نتیجه فقر شدید، از دهه ۱۹۶۰ شاهد پناه بردن مردم به کلیساها و سیاسی شدن کشیشان و ظهور انجمنهای مسیحی بسیار که افکار سیاسی دارند، بوده است.^۱ وقوع انقلاب اسلامی این حرکت را تشدید کرد. سوموزا دیکتاتور سرنگون شده نیکاراگوئه در انقلاب ۱۹۷۹ این کشور، ضمن تأکید بر نقش کشیشان در این انقلاب، به وجود ارتباط بین انقلابیان نیکاراگوئه و ایران اشاره نموده و گفته است کشیشهایی که در انقلاب نیکاراگوئه نقش داشتند، پیش از پیروزی این انقلاب به ایران رفت و آمد و با امام خمینی ملاقات می‌کردند.^۲ همچنین، فیدل کاسترو رهبر انقلاب کوبا، در مصاحبه با فری بتوکه تحت عنوان فیدل کاسترو و مذهب چاپ شده است، به وجود مسیحیت سیاسی شده در زمان حاضر تأکید می‌کند.

۴. چهره عمومی جوامع اسلامی: پس از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد تغییرات قابل ذکری در چهره ظاهری جوامع در کشورهای اسلامی و رفتارهای عمومی آنها، حتی میان مسلمانان کشورهای غیراسلامی، از قبیل گسترش حجاب اسلامی، گرایش بیشتر به شرکت در مراسم مذهبی و رعایت تکالیف دینی بوده‌ایم. این امر حتی در کشورهای دوردست آسیایی، مانند اندونزی و مالزی و نیز در اروپا و آمریکا قابل رؤیت است.

۵. کنفرانسها و مراکز پژوهشی: وقوع غیر منتظره انقلاب اسلامی با ماهیت دینی و بازتابهای منطقه‌ای و جهانی آن، باعث پیدایش مراکز پژوهشی و برگزاری همایشهای متعدد برای شناخت انقلاب اسلامی، اسلام به ویژه تشیع و ایران، گردید و تاکنون برای این معرفی و شناخت هزاران اثر شامل کتاب، رساله دانشگاهی، مقاله و غیره به رشته تحریر درآمده است؛ به گونه‌ای که اشراف بر این حجم وسیع از نوشته‌ها کاری دشوار است و این امر برخی از نویسندگان را به دست‌بندی این آثار ترغیب نموده است.^۳

۱. برای مطالعه ویژگیها و دیدگاههای برخی از تئوریسینهای الهیات رهایی‌بخش ر. ک:

عباس منوچهری، نظریه‌های انقلاب، ص ۳۲-۳۴؛ کلیسای شورشی، ترجمه جواد یوسفیان، مقالات مختلف.

2. Anastasio Somoza, as told to Jack Cox, *Nicaragua Betrayed*, Blemont: Western Island Publishers, 1980, p 23-26 & 91-93.

۳. از جمله این دست‌بندی‌ها را می‌توان در این نوشته‌ها مشاهده کرد: صادق، زیبا کلام، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی؛

حمیرا، مشیرزاده، نگاهی به هیات‌های مختلف در مطالعه انقلاب اسلامی ایران، راهبرد، بهار ۱۳۷۵، ش ۹.

کتابشناسی

- فرد، هالیدی، انقلاب و روابط بین‌الملل، ترجمه مسعود اخوان کاظمی، فصلنامه انقلاب اسلامی، دانشگاه اصفهان، س اول، پیش شماره سوم، پاییز ۱۳۷۸.
- آرنه، هانا، انقلاب، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
- تده، اسکاچپول، حکومت تحصیلدار و اسلام شیعی در انقلاب ایران، ترجمه محسن امین‌زاده.
- فراتی، عبدالوهاب، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، قم، انتشارات معارف، ۱۳۷۹.
- خرمشاد محمد باقر، فوکو و انقلاب اسلامی ایران، معنویت‌گرایی در سیاست، پژوهشنامه متین، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ش اول، زمستان ۱۳۷۷.
- میشل فوکو، قدرت انضباطی و تابعیت، قدرت، استیون لوکس (ویراستار) ترجمه فرهنگ رجایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰.
- مشیرزاده، حمیرا، نگرشی اجمالی به نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی.
- ملکوتیان و جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، مجموعه مقالات، ج ۲، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ۱۳۷۴، ج ۱.
- ملکوتیان مصطفی، سیری در نظریه‌های انقلاب، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶.
- رابرت، دیبلو، چندلرو، بورش‌های تبلیغاتی آمریکا در جنگ ویتنام، ترجمه مصطفی ملکوتیان، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۲.

- مجموعه مقالات سمینار بررسی خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸.
- چارلی، بکویت، نیروی دلتا، ترجمه رضا فاضل‌زرنندی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۶.
- مازندی، یوسف، ایران ابر قدرت قرن، به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۳.
- قادری، حاتم، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، تهران، نشر سفید، ۱۳۶۹.
- فراش، عبدالوهاب، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، قم، نگاه نو، ۱۳۸۱.
- منوچهری، عباس، نظریه‌های انقلاب، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
- کلیسای شورش، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸.
- زیباکلام، صادق، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، روزنه، ۱۳۷۸.
- مشیرزاده، حمیرا، نگاهی به رهیافت‌های مختلف در مطالعه انقلاب اسلامی، ش ۹، راهبرد، بهار ۱۳۷۵.
- گامر و دیگران، باروی شمال قفقاز، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز، ترجمه سیدغلامرضا تهامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- بولنت ارس و عمر کاهان، جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح الله گولن، ترجمه سیداسدالله اطهری، - فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۹، زمستان ۱۳۸۱، ش ۴، ش مسلسل ۳۲.
- صالحی‌امیری، سیدرضا، کالبدشناسی فرقه‌گرایی در پاکستان، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۸۰ - ۱۳۷۹.
- علی مرتضی، زیدی، ریشه‌یابی علل تفرقه‌گرایی در پاکستان، پایانه نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حاج سید جوادی، سیدکمال، فهرستواره ایرادات و شبهات علیه شیعیان در هند و پاکستان، تهران، مرکز بازشناسی اسلامی و ایران، ۱۳۷۷.